



نشریه کتاب و سنت
دانشگاه قرآن و حدیث
مرکز آموزش الکترونیکی
شماره ۵، زمستان ۱۳۹۳
Ketab & Sonnat magazine
Quran & Hadith university
E-learning center
No5, winter1393

وجوه برتری پیامبر اسلام ﷺ بر سایر انبیاء در قرآن و روایات

داراب دارابی^۱

سید رحمت الله موسوی مقدم^۲

چکیده

مقوله‌های خاتمیّت، جامعیت دین اسلام، معراج پیامبر و... همگی از امتیازهای اسلام و وجوه برتری پیامبر اسلام ﷺ در قیاس با دیگر برگزیدگان الهی است. افزون بر این، مقامات معنوی خاص ایشان از جمله: مقام محمود (شفاعت کبری)، مقامات قرب (تدلی، قاب قوسین، ادنی)، مقام وصف همیشگی صلوات و درود خدا و ملائکه و دستور به انجام آن توسط مؤمنان، و وصف خاص نبی الرحمه، جملگی از دلایل بارز این مقام بینظیر است. شناخت جایگاه عظیم پیامبر ﷺ، مکارم اخلاقی و فضایل روحی، روانی، فکری، عملکردی و نظام تربیتی آن حضرت، می‌تواند خود الگویی تربیتی در سازندگی اخلاقی و انسانسازی الهی باشد. در این پژوهش تلاش شده است که به معرفی وجوه برتری رسول گرامی ﷺ از جمله برتری علمی، ایمانی، اخلاقی، رفتاری، سبک زندگی و شخصیت انسانی در قرآن و روایات اسلامی پرداخته شود. روش این تحقیق، توصیفی و از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها: پیامبر اسلام ﷺ، جنبه‌های برتری، قرآن و روایات

* تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۰۹

۱. کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: darabi146@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، مدیر گروه معارف اسلامی

Email: prof.m1344@gmail.com



مقدمه

خداوند پیامبر اسلام را برای همیشه الگوی همگان قرار داد: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱. اکنون که ما موظف به تأسی از آن حضرت طبق دستور قرآن هستیم، باید زندگی آن اسوه حسنه را از جنبه‌های گوناگون مطالعه و بررسی کنیم، تا ضمن شناخت و معرفت نسبت به آن حضرت و خصوصیات ایشان در حد توان، زمینه تأثیرپذیری از راه محبت نیز در ما پدید آید؛ چرا که با ایجاد محبت، ایمان راسخ‌تر می‌شود.

از جمله زمینه‌های مطالعاتی که به معرفت پیامبر اکرم ﷺ منجر می‌گردد، مقایسه مقامات و فضایل آن حضرت نسبت به سایر پیامبران است.

پژوهش حاضر به دنبال جواب به این سؤال است که: بر اساس آیات و روایات، مهم‌ترین ابعاد برتری پیامبر مکرم اسلام ﷺ، کدامند؟ این پژوهش سعی دارد به استناد آیات و روایات، تبیین نماید که چگونه و به چه دلیلی پیامبر اکرم در جایگاهی برتر از دیگر پیامبران قرار گرفته‌اند.

مقوله برتری پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از مسلمات دین و برجستگی‌های بی‌نظیر آن است؛ به نحوی که تمام عظمت‌های مکتب اسلام از قبیل خاتمیت، جامعیت، بحث منجی آخرالزمان و مقوله امامت و... همگی رابطه و نسبت تام با عظمت روحی و گستره بیکران شخصیت پیامبر دارند؛ زیرا برتری محض مکتب و آیین اسلام، منهای تصور برتری شخصیت آورنده آن، امری منطقی و معقول نیست. پذیرش عقلی برتری شخصیت پیامبر اسلام، پیش‌فرض قبول اکمال دین و برتری‌های دین اسلام نسبت به سایر ادیان است؛ به‌طوری که علو مقام دین اسلام، خود دلیلی بر علو مقام پیامبر و برتری اوست.

به همین دلیل، در قبال قدرت‌ها و صفات خاصی که خدا به پیامبران داده است، هدایای خاص پیامبر از نظر عظمت و اهمیت، منحصر به فرد است و قابل قیاس با سایرین نیست؛ خداوند اگر به نوح کشتی داده، به رسول گرامی اسلام ﷺ براق و رفرف داده است تا عجایب ملکوت را ببیند؛ و اگر به ابراهیم ملکوت آسمان و زمین را نشان داده، به مصطفی ﷺ جلال و جمال خود را نموده است؛ و اگر با موسی در طور هم‌کلام شده، با رسول ﷺ در عرش عظیم همراز و هم‌دیدار شده و به او خلوتی ارزانی کرده است که هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی مرسلی را بدان راه نیست.

وجوه برتری

اینک با تقسیم ساحت‌های برتری به پنج قسم، به تبیین وجوه برتری رسول گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ نسبت به دیگر انبیاء ﷺ می‌پردازیم.

۱. ساحت علمی

ارزش و اعتبار هر انسان به میزان علم و هنر وی است. اگر علم و هنر انسان در حدّ نازل باشد، ارزش وجودی او نیز در همان حد است، و اگر در حدّ متوسط یا عالی باشد، ارزش وجودی او هم در حدّ متوسط یا عالی است. البته ارزش علوم یکسان نیستند. از آنجا که هیچ موجودی به اندازه خداوند در هستی سهم ندارد، پس هیچ علمی به اندازه «خداشناسی» ارزش و اهمیت ندارد.

اسلام، علاوه بر این که به پیروان خود توصیه به علم‌آموزی دارد، به مخالفان خود نیز سفارش می‌کند که به دنبال حکمت و علم باشید، چون انسانی که به حکمت برسد، به حقیقت نزدیک شده و به حقانیت حقایق پی میبرد. معجزه پیامبر اسلام ﷺ، قرآن کریم است که کتابی سراسر معارف و حکمت و دانش است و این خود نشان از اهمیت علم در اسلام دارد. در اسلام شروع، خاتمه و میانه راه و همه چیز با علم و معرفت سنجیده می‌شود.

با این مقدمه، برتری علمی حضرت رسول ﷺ را از چند جهت مورد بررسی قرار می‌دهیم. البته شایان ذکر است که در این مبحث، منظور ما از علم پیامبر، مطلق علم و دانایی به معنای knowledge است.

الف) با توجه به خصوصیات کتاب آسمانی

مفسران، آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...﴾^۱ را نشان‌دهنده جامعیت و کامل بودن دین و شریعت اسلام نسبت به ادیان پیشین دانسته‌اند.

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

هیمنه، به معنی سیطره و نفوذ علمی است. کمال علمی، مقام و شخصیت معنوی هر پیامبری در کتاب آسمانی او ظهور می‌کند؛ به عبارت دیگر، کتاب آسمانی هر پیامبری تجلی شخصیت همان پیامبر است، پس کمال علمی و شخصیت معنوی





پیامبر خاتم در قرآن ظهور می‌کند. ... و چون هیمنه، سیطره و فضیلت قرآن بر کتاب‌های انبیای سلف ثابت شد، سیطره و فضیلت رسول خاتم بر دیگر انبیاء نیز ثابت می‌شود. بنابراین، زمانی می‌توانیم منزلت علمی رسول گرامی را ارزیابی کنیم که حقیقت قرآن را بشناسیم، زیرا هر پیامبری به اندازه کتابش، مردم را به حق دعوت می‌کند؛ یعنی همان طور که معارف کتاب آسمانی درجاتی دارند، ولایت و رسالت اولیاء و فرستادگان خدا نیز دارای مراتب خواهد بود.^۱

قرآن، کتاب جامعی است که همه قلمروهای زندگی انسان را مورد توجه قرار داده؛ چنان که به عبادت و اقتصاد، علم و عمل، جسم و روان، و دنیا و آخرت توأمان پرداخته است. به همین منظور، یکی از وجوه جامعیت قرآن، جامع بودن آن نسبت به کتب آسمانی پیشین است؛ یعنی همان گونه که خداوند قرآن را مهیمن و محیط بر کتب آسمانی پیشین معرفی کرده، تمامی معارف موجود در آن‌ها به گونه‌ای کامل‌تر در قرآن آمده است. افزون بر این، در قرآن به معارف و احکامی اشاره شده که در آن کتب نیامده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند:

حضرت محمد (ص) با فضیلت‌تر و داناتر است و خداوند آن قدر که به او علم و دانش داده، به دیگران نداده است. ... در حق حضرت محمد مصطفی (ص) فرمود: ﴿وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَوْلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (تو را بر اینان گواه آوردیم و بر تو کتاب فرو فرستادیم که بیان و توضیح همه چیز است).^۲ و همچنین فرمود: ﴿لِيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا﴾ (تا بداند که آنان رسالت‌ها و پیام‌های پروردگارشان را رساندند و او آمار و رقم همه چیز را دارد).^۳ به خدا سوگند، او از موسی و عیسی داناتر و با فضیلت‌تر بوده و اگر آنان در اینجا حاضر می‌بودند و سؤالاتی از من می‌کردند، پاسخ می‌دادم، اما من هم سؤالاتی می‌کردم که آنان نمیتوانستند پاسخگو باشند.^۴

از طرفی قرآن جهانی و همگانی است، از این رو پیایی همه انسان‌ها را با تعبیرهایی همچون ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ﴾ مخاطب می‌سازد. همچنین می‌فرماید:

۱. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، تحقیق و تنظیم حسن واعظی، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۶ش؛ ج ۸، ص ۲۲.
۲. نحل، ۸۹.
۳. جن، ۲۸.
۴. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ ج ۱۰، ص ۲۱۵.

﴿... وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ﴾^۱ و این قرآن بر من وحی شده است تا شما و هر کسی را که این حقیقت به او برسد، انداز کنم.

همه پیامبران نیز هرگز در اندیشه نجات قشری خاص نبوده‌اند، بلکه برای هدایت تمامی انسانها - از هر گروه - می‌کوشیده‌اند، اما آنچه اهمیت دارد، این است که آنها امکان دعوت جملگی انسانها را نداشته و تنها مردم یک ناحیه را هدایت می‌کرده‌اند؛ این در حالی است که این امکان تنها برای پیامبر اسلام ﷺ ایجاد شد و یکی از دلایل برتری ایشان است.

از دیگر ویژگی‌های قرآن کریم، این است که تنها برای هدایت مردم در یک زمان خاص نازل نشده است، بلکه هدایت تمامی بشر را بر عهده دارد. خداوند در آیاتی از قرآن کریم، از پیروزی و فراگیر شدن دین اسلام نسبت به همه ادیان دیگر سخن می‌گوید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند؛ هر چند کافران کراحت داشته باشند.

لازمه غالب بودن اسلام بر همه ادیان، این است که معارف و احکام آن دین ابدی باشد. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال شخصی که پرسید: چرا قرآن هرچه بیشتر منتشر می‌گردد، طراوت و شادابی آن نیز بیشتر می‌شود؟ فرمودند: زیرا خداوند تبارک و تعالی آن را برای زمان خاص و مردمی خاص قرار نداده و از همین‌رو در هر زمان تازه است و نزد هر مردمی، طراوت و شادابی خود را تا روز قیامت دارد.^۳

قرآن کریم در همه ابعاد گوناگون خود معجزه است؛ آنسان که خود قرآن به کرات اعلام اعجاز کرده و با تمام افراد بشر در همه زمان‌ها اتمام حجت نموده و مخالفان را به مبارزه طلبیده است:

﴿وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾^۴ اگر درباره آنچه که بر بنده خود نازل کرده‌ایم، تردید دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید، اگر راست می‌گویید.

امیرمؤمنان (ع) درباره مقام بی‌بدیل و والای قرآن می‌فرماید:

۱. انعام، ۱۹.

۲. توبه، ۳۳.

۳. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۸۹، ص ۱۴.

۴. بقره، ۲۳.





خدای سبحان، کتابی آسمانی بر پیامبر اکرم ﷺ فرو فرستاد و آن، نوری است که خاموشی ندارد، و چراغی است که افروختگی آن زوال ناپذیر است، و دریایی ژرف است که قعر آن به چنگ ادراک آدمی (بشر عادی) نمیافتد، و راهی است که در آن گمراهی نیست، و شعاعی است که روشنی آن تیرگی نگیرد...؛ خداوند آن را فرو نشاننده تشنگی علمی دانشمندان و خرّمی دلهای فقیهان و راه روشن سالکان صالح قرار داد. قرآن کریم، دارویی است که پس از آن بیماری نمی ماند...، و پناهگاهی است که قلّه بلند آن مانع دشمن است... خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان قرار داد.^۱

حضرت محمد ﷺ فرمودند:

فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَى خَلْقِهِ؛^۲ برتری قرآن نسبت به دیگر سخنان، مانند برتری خداوند - جَلَّ جَلَالُهُ - بر خلق اوست.

اکنون این کتاب با همه هویتش بر قلب مبارک حضرت محمد ﷺ نازل شده است؛ قلبی با چنان وسعتی که توانسته است آن مفاهیم بلند و بی نهایت و آن دریای ژرف را در خود جای دهد. بدین سبب می توان اقرار کرد که آورنده قرآن، ظرف علم بی نهایتی است که همه علوم انبیای پیشین در مقابل آن، همانند ستاره ای است در مقابل خورشید.

ب) با توجه به مسأله خاتمیّت

از مسأله خاتم بودن نبی اکرم چنین استفاده می شود که پیامبر اکرم ﷺ واجد همه مزایا، فضیلت ها و خصوصیات پیامبران گذشته هستند و تا روز قیامت احدی بهتر و کامل تر از ایشان نخواهد آمد، زیرا اگر کامل تر از آن حضرت یافت می شد، حتماً او به مقام خاتمیّت می رسید، نه رسول اکرم ﷺ؛ و این برتری ایشان را در همه زمینه ها اثبات می کند؛ چه از نظر علمی، چه اخلاقی، چه عبادی و ... در حقیقت، یکی از ارکان ختم نبوت، بلوغ اجتماعی بشر است؛ به حدی که می تواند حافظ و نگهبان موارث علمی و دینی خود باشد.

آیه اول سورة علق اعلام می کند که عهد قرآن، عهد خواندن و نوشتن و علم و عقل است. در این عهد، وظیفه تعلیم و تبلیغ و حفظ آیات آسمانی، بعد از پیامبر به امامان و سپس به علما منتقل شده و

۱. رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)، تصحیح فیض الاسلام، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق؛ خطبه ۱۹۸، ص ۳۱۶.

۲. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۸۹، ص ۱۹.



علما از این نظر جانشین انبیاء محسوب می‌شوند. پیامبر اکرم ﷺ علمای این امت را همسان انبیای بنی اسرائیل یا برتر از آنان می‌شمارند.

رمز خاتمیت و جاودانی بودن دین اسلام، این است که برای احتیاجات ثابت و دائم بشر، قوانین ثابت و برای اوضاع و احوال متغیر وی، قوانین متغیری را پیش‌بینی کرده‌است. بسیاری از آیات قرآن گرچه در موارد خاص نازل شده و حکم آن موارد را روشن کرده، اما برای همیشه در جریانات مشابه جاری است، که علمای امت با اجتهاد خود وظیفه دارند کلیات دین را با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی تطبیق دهند و حکم الهی را استخراج کنند. اینها جملگی از مختصات اسلام به شمار می‌رود که در ادیان گذشته نبوده‌است. امام صادق (ع) فرمودند:

مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ قَطُّ؛^۱ رسول خدا با هیچ کس به اندازه عمق فکر خود سخن نگفته است؛

یعنی آنچه شما از سخنان آن حضرت می‌فهمید، عمق فکر و عمق کلام پیامبر نیست و هرچه بالا بروید، به عمق فکر او نمی‌رسید.

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا؛^۲ من شهر علم هستم و علی (ع) درب آن است. همچنین فرمودند:

مرا جز خدا و تو (ای علی)، کسی نشناخت.^۳

حضرت علی (ع) در خطبه ۷۲ نهج البلاغه ویژگی‌های پیامبر را این‌چنین بر می‌شمارند:

... که خاتم پیامبران گذشته، گشاینده درهای بسته و آشکار کننده حق با برهان است ... در پذیرش و گرفتن وحی نیرومند بود، ... نور حق را آشکار و راه را برای جاهلان روشن ساخت. ... او پیامبر امین و مورد اعتماد و گنجینه‌دار علم نهان تو و شاهد روز رستاخیز و برانگیخته تو، برای بیان حقایق است. خداوند با دست پیامبر شعله‌ای از نور برای طالبان آن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی، تهران: دارالکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش؛ ج ۱، ص ۲۳.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ توحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا؛ ص ۳۰۷.

۳. مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، بی‌تا؛ ج ۱۳، ص ۲۷۳.

برافروخت و بر سر راه گمشدگان چراغی پرفروغ قرار داد.^۱

امام خمینی (ره) با تکیه بر روایات، به بیان عرفانی علم پیامبر ﷺ پرداخته و در ضمن آن، مراتب علمی انبیاء را نیز بیان می‌فرماید:

اما اسم اعظمی که به حسب حقیقت غیبیه است و جز خدا هیچ‌کس بدون استثنا از آن آگاهی ندارد، چنان‌که در روایت کافی است، در باب آنچه به ائمه دین ﷺ از اسم اعظم عطا شده، سند به امام باقر ﷺ می‌رسد که فرمود: «همانا اسم اعظم بر هفتادوسه حرف است، و از آن در نزد آصف یک حرف بود که به آن یک حرف سخن گفت و زمینی که میان او و تخت بلقیس بود، در هم فرو رفت و او دست دراز کرده، تخت را با دست خود برگرفت، سپس زمین به همان حالتی که بود، بازگشت، و این جریان در فاصله‌ای کمتر از یک چشم به هم زدن اتفاق افتاد. و از آن اسم اعظم، هفتادودو حرف نزد ماست و یک حرف آن نزد خدای تعالی است که آن را در علم غیب برای خود اختصاص داده. و حول و قوه‌ای نیست، جز به خدای علی عظیم.»

و نیز در همان کتاب از امام صادق ﷺ منقول است که می‌فرمودند: «عیسی بن مریم را دو حرف داده شد که با آن دو حرف کار می‌کرد و موسی را چهار حرف داده شده بود، و ابراهیم را هشت حرف، و نوح را پانزده حرف، و آدم را بیست‌وینج حرف، و خدای تعالی همه این‌ها را برای محمد ﷺ جمع کرد، و اسم اعظم الله هفتادوسه حرف است که محمد ﷺ را هفتادودو حرف داده شده و یک حرف از او پوشیده ماند.»^۲

ایشان در ادامه آیه ۳۵ سوره نور، مراد از «مَثَلُ نُورٍ» را با توجه به روایتی از امام صادق ﷺ، به حضرت محمد ﷺ تفسیر نموده، زیرا که آن حضرت باعث نورانیت عالم گردیده است و مراد از «مشکات» سینه حضرت محمد ﷺ و از «فیها مصباح» وجود نور نبوت در سینه آن حضرت و از «المصباح فی زجاجه» به علم پیامبر خاتم ﷺ یاد گردیده است که در سینه حضرت علی ﷺ جای گرفت.^۳

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۷۲، ص ۱۰۱.

۲. خمینی، روح الله؛ شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهری، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ش؛ صص ۱۴۵-۱۴۶.

۳. خمینی، روح الله؛ شرح چهل حدیث، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۸ش؛ ص ۳۵۴ و نحاس، احمد بن محمد؛ اعراب القرآن، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق؛ ج ۳، ص ۹۴-۹۵.

۲. ساحت باور قلبی و ایمان

علوم انبیاء از نوع علوم انسان ساز و مربوط به خود انسان است؛ یعنی علمی همراه با تزکیه است. به همین دلیل، هرچه این علم بالاتر باشد، خودساختگی و تزکیه و ایمان نیز بالاتر است. انسان‌های خودساخته (که پیامبران و ائمه، مصادیق اعلاای آن هستند) هر چه علمشان بالاتر رود، بر شدت ایمانشان افزوده خواهد شد.

در اسلام علم، مکمل ایمان است و تقویت‌کننده آن. از این رو، ایمان پیامبر نیز (که شهر علم است و جامع جمیع علوم انبیاء) اکمل ایمان است.

روشن‌ترین گواه بر ایمان و توحید آن جناب قبل از بعثت، این است که در مدت چهل سالی که در میان مردم زندگی کردند، هرگز دیده نشد که یک بار بر بتی سجده کنند، بلکه همواره از آنها بیزاری می‌جستند. زمانی که ایمان خالص در قلب نهاده و پایدار شد، رفتار انسان با آن انطباق خواهد داشت و تعارض و تضادی بین ایمان و عمل مشاهده نمی‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالْتَّحَلِّيِّ وَلَا بِالْتَّمَنِّيِّ، وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَصَدَقَهُ الْأَعْمَالُ؛^۱ ایمان به ادعا (تظاهر) و آرزو نیست، بلکه ایمان آن است که در دل خالص باشد و عمل آن را تصدیق و تأیید کند.

حضرت رسول ﷺ، به آنچه وحی می‌شد، بیشتر از هر کس دیگر ایمان داشتند و قبل از همه، خود به آن دستورات عمل می‌نمودند. ایشان تمامی ابعاد زندگی خود را مبتنی بر دستورات الهی تنظیم کرده بودند. پیامبر اسلام ﷺ به دلیل ایمان واقعی به وعده‌های الهی، با شجاعت تمام دستورات الهی را پیاده می‌کردند و به همین دلیل از شجاع‌ترین شخصیت‌ها در تاریخ بشر محسوب می‌شوند. ایشان به تنهایی در برابر جهانی از شرک و کفر قد برافراشته، در مقابل اعراب که از خشن‌ترین مردمان روی زمین بودند، بی‌محابا به انتقاد از رسوم و عقاید غلط آنان پرداختند. اوج ایمان آن حضرت به وعده‌های الهی در جریان مباحله است؛ آن‌گاه که مباحله‌کنندگان در میان خود گفتند: پیدا است در دعوت خود صادق بوده و به نبوت خود ایمان دارد که حاضر است عزیزترین افراد نزد خود را در معرض فنا قرار دهد و اگر مردد بود، عزیزان خود را در معرض عذاب الهی قرار نمی‌داد.

شدت ایمان، ظرفیت وجودی و لطافت روحی پیامبر نسبت به خدا و عالم غیب و ارتباط تنگاتنگ با عالم وحی و ملکوت، باعث سفری استثنایی و مشاهده و دریافت معارفی بی‌بدیل در پدیده‌های به نام معراج

۱. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان/الحکمه، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵ش؛ ج ۱، ص ۱۹۱.



گردید. به بیان امام خمینی (ره):

سفر چهارم را طی کرد که بقاء بعد از فنا است و به آخرین مرتبه سیر الی الله رسید.^۱ آری؛ به مقام فنا و محور رسید و چنان در مقام قدس پرید که جبرئیل را فرو نهاده و در «قاب قوسین او ادنی»^۲ جا می‌گیرد. معراج پیامبر و طی مقامات قرب (تدلی، قاب قوسین، او ادنی) از اختصاصات ویژه نبی اکرم است، که نظیر این قصه در هیچ کدام از کتاب‌های آسمانی پیشین و در بین ادیان مختلف وارد نشده است. معرفت و بصیرت و ایمانی که لازمه شروع نبوت و رسالت است، به اقتضای حکمت الهی در بدو امر نبوت برای پیامبر اکرم ﷺ حاصل شده بود، و آهنگی رو به کمال داشت.

معراج، بنا بر برخی از روایات، در مراحل و دفعات متعددی برای پیامبر اکرم ﷺ رخ داد و روشن است که در هر نوبت، معرفتی بر معرفت پیشین افزوده می‌شد.^۳

روایاتی که از گفت‌وگوهای بی‌واسطه خداوند با پیامبرش در معراج وارد شده، بیانگر برتری ایمانی پیامبر اسلام ﷺ بر سایر انبیاء و حتی برتری امت ایشان نسبت به سایر اُمم است.

تفسیر نورالثقلین ذیل آیه ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ...﴾^۴ می‌نویسد:

این آیه بود که خداوند بر سایر امتها از زمان آدم تا هنگام مبعث نبی معظم ﷺ پیشنهاد کرد و تمام آن‌ها از زیر بار آن شانه خالی کردند و نپذیرفتند؛ محمد ﷺ و امتش قبول کردند و پذیرفتند. چون خدای تعالی دید که محمد و امتش پذیرفتند، سنگینی بار را از دوش آنان برداشت. سپس خدای تعالی به محمد فرمود: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...﴾^۵؛ ایمان آورده است رسول به آنچه که به سوی او از طرف پروردگارش فرو فرستاده شده.^۶

در روایتی علی بن ابراهیم به سند خود از امام صادق علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

۱. خمینی، روح الله؛ پیشین؛ صص ۲۷۵ - ۲۷۶.

۲. نجم، ۹.

۳. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات، تهران: منشورات اعلمی، بی‌تا؛ ص ۹۹.

۴. بقره، ۲۸۴.

۵. بقره، ۲۸۵.

۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق؛ ج ۱، ص ۳۰۳.



هنگامی که در معراج به سدره‌المنتهی رسیدم و تا اندازه دو قوس کمان به او نزدیک شدم، پروردگارم ندا داد: ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ و من از طرف خود و امتم به خداوند پاسخ دادم: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَفَرُّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾ و گفتیم: ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾... و خداوند پاسخ داد: هر آنچه را از من خواستی، به تو و امت تو بخشیدم.^۱

۳. ساحت اخلاق و منش فردی و اجتماعی

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛^۲ و به راستی تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. خدای سبحان در این آیه پیامبر خود را به عظمت اخلاقی می‌ستاید. برخی خلق عظیم را به معنای ادب الهی دانسته‌اند، که شاید بر اساس روایت «أَدَّبَنِي رَبِّي وَأَحْسِنَ تَأْدِيبِي»^۳ این معنا را آورده‌اند.

علامه طباطبایی خلق عظیم را به معنای صبر بر حق، وسعت بخشش، تدبیر امور به مقتضای عقل، رفق و مدارا، تحمل ناگواریها، گذشت و عفو، نهایت کوشش برای یاری مؤمنان، ترک حسد و حرص دانسته‌است.^۴ «کان خلقه القرآن»؛^۵ اخلاق آن حضرت قرآنی بود و از آنجا که قرآن، برتر از تمام کتاب‌های آسمانی است، پس اخلاق رسول اکرم ﷺ، برتر از ملکات اخلاقی پیامبرانی است که سایر کتاب‌های آسمانی بر آنان نازل شده‌است.

یکی دیگر از تعبیر خداوند متعال در قرآن کریم از خلق پیامبر گرامی اسلام ﷺ، برخورداری آن حضرت از شرح صدر است:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾؛^۶ آیا ما سینه تو را گشاده نساخته‌ایم؟

شرح صدر، ظرف روحی بسیار وسیع و تحمل فوق‌العاده زیاد است^۷ که شخص را در رسیدن به هدف‌های بزرگ یاری می‌رساند و مشکلات و رنج‌های بر سر راه مقصود را آسان می‌کند و از همین

۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، قم: انتشارات دارالکتاب، چاپ سوم، بی‌تا؛ ج ۱، ص ۹۵.

۲. قلم، ۴.

۳. مجلسی، محمد باقر؛ پیشین؛ ج ۶۸، ص ۳۸۲.

۴. طباطبایی، سید محمد حسین؛ ترجمه المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش؛ ج ۱۹، ص ۶۶۹.

۵. ابن حنبل، احمد؛ مسند، بیروت: دار صادر، بی‌تا؛ ج ۶، ص ۱۶۳.

۶. انشراح، ۱.

۷. مطهری، مرتضی؛ سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۱ ش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش؛ ص ۱۵۶.

رهگذر است که شرح صدر را در شمار اخلاق اجتماعی جای داده و از بایسته‌های رهبری سیاسی و دینی دانسته‌اند. تاریخ نشان داده است که انبیاء و اولیای الهی، قله‌های سعه صدر بوده و در رهبری‌های خود با حوصله و تدبیر، عمل می‌کردند.

در این میان، شرح صدر پیامبر گرامی اسلام ﷺ از همه برتر بود. اهمیت برخورداری از این ویژگی و خصلت کم‌نظیر تا به آنجا است که حتی به روایت قرآن کریم، حضرت موسی در پی مبعوث شدن به پیامبری و رفتن به سوی فرعون و نجات دادن بنی‌اسرائیل، نخستین وسیله‌ای که در انجام این رسالت مهم و ضروری از خداوند خواست، شرح صدر بود و خداوند نیز در پی آن، این خواسته حضرت موسی را به ایشان عنایت فرمود:

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ... قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى﴾^۱ موسی گفت:

پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن ... و فرمود: ای موسی! آنچه را خواستی، به تو داده شد.

عطا شدن شرح صدر از سوی خدا به حضرت موسی بنا به درخواست حضرت موسی بوده، اما در مورد پیامبر گرامی اسلام ﷺ این ویژگی بدون خواهش و تقاضای ایشان از سوی خدا به آن حضرت عطا شده است. در سوره مبارک انشراح که خداوند نعمت‌های داده شده از جانب خود به پیامبر گرامی اسلام ﷺ را بیان می‌کند، نخستین و به‌طور طبیعی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها را شرح صدر آن حضرت می‌شمارد.

خوی خوش و مهربان و ظاهر زیبا و آراسته پیامبر ﷺ، بر خلاف اخلاق تند و خشن اشراف عرب، در روح و روان اعراب تشنه محبت و اخلاق تأثیرگذار بود و هدایت‌ها و جذبه‌های اخلاقی و معنوی ایشان، در برابر خشونت و شکنجه‌ها و ناسزاها، در گرایش مردم به اسلام تأثیر بسزایی داشت؛ تا آنجا که قرآن شخصیت آن حضرت را اسوه معرفی نمود.

حضرت علی علیه السلام در وصف حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند:

طیب دَوَّار بَطَّهَ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ^۲ طیبی است که همواره برای معالجه گردش میکند و مرهم او بهترین درمان بیماری است.

رسول گرامی اسلام ﷺ تجلی بخشندگی بودند؛ به گونه‌ای که در جریان فتح مکه، اعلام عفو عمومی کردند و همه کسانی را که آن حضرت و یاران ایشان را اذیت کرده بودند، آزاد نمودند.

۱. طه، ۲۵ و ۳۶.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۰۸، ص ۱۵۶.



پیامبر اکرم ﷺ دارای صبر جمیل بودند. بنا بر تصریح تفسیر نمونه، صبر جمیل صبری است که شکایتی در آن نباشد.^۱ ایشان آن گونه بودند که خداوند از او خواسته بود ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾؛^۲ چنان صبور و شکیبا بود که هرگز از رنج‌ها و مشقت‌هایی که در راه ایفای رسالت دیده بود، در برابر مردم شکوه نکرد، بلکه به سبب ایمان نیاوردن کافران، خود را مسئول می‌دانست:

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾؛^۳ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی برای این که آن‌ها ایمان نمی‌آورند.

از فرط محبت، سختی‌های مردم بر او گران می‌آمد و بر نجات آنان حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان بود: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾.^۴ قرآن وی را سراج منیر یا چراغ فروزان عالم هستی^۵ و تجلی رحمت الهی بر جهانیان دانسته و شفقت، مهربانی و خوی خوش او را از الطاف بی‌کران خدا دانسته است و خطاب به آن حضرت می‌گوید:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛^۶ اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده میشدند. پس از آنان درگذر و از خدا برای آن‌ها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنان در کارها مشورت‌نا....

۴. ساحت بندگی و عبادت

یکی از جنبه‌های برجسته در وجود آدمی، عبادت و پرستش است. با عبادت است که استعدادهای درونی انسان، آشکار می‌شود و انسانیت، مفهوم خود را می‌یابد. اگر عبادت نباشد، جوهره انسان نیز بی‌معنا خواهد بود.

عبادت، توجه و تذلل و خوار ساختن خویش برای خدا است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛^۷ آدمی و پری را نیافریدیم، مگر برای این که مرا پرستش کنند. پس هدف نهایی آفرینش جن

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ش؛ ج ۹، ص ۳۵۲.

۲. احقاف، ۳۵.

۳. شعراء، ۳.

۴. توبه، ۱۲۸.

۵. احزاب، ۴۶.

۶. آل عمران، ۱۵۹.

۷. ذاریات، ۵۶.



و انس، همان عبادت خدای سبحان است و به همین دلیل است که در روایات، عبادت را در این آیه به معرفت تفسیر کرده‌اند؛ یعنی لِيَعْبُدُونَ را لِيَعْرِفُونَ تأویل برده‌اند.^۱

عبادت، تنها راه تقرب به خدای سبحان است. از این رو در قرآن کریم، روایات و دعا‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، در بیان مقامات گوناگون پیامبران و اولیای الهی، ابتدا سخن از عبادت آنان است. در تشهد نماز هم پیش از شهادت به رسالت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عبودیت و بندگی آن حضرت ذکر می‌شود؛ زیرا عبادت، نسبت عبد با مولاست، ولی رسالت، نحوه ارتباط عبد با سایر بندگان خداست؛ و از آنجا که ارتباط انسان با خدا، مقدم بر ارتباط او با انسان‌ها است، بندگی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز بر رسالتش فضیلت دارد.

قرآن کریم وقتی می‌خواهد تعبیر «عبد» را نسبت به انبیای الهی - به غیر از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) - به کار برد، آن را همراه نام آنان استعمال می‌کند؛ مثلاً می‌فرماید:

﴿وَاذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ...﴾^۲

اما در مورد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تنها به صورت «عبد» استعمال می‌کند. از جمله:

در آیه اول سوره فرقان: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛

در ابتدای سوره اسراء: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا...﴾؛

آیه اول سوره كهف: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ﴾؛

آیه دهم سوره نجم: ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾.

در آیات فوق و نظیر آنها، نه پیش از کلمه «عبد» نام مبارک پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برده شده و نه بعد از آن، بلکه خداوند آن را به صورت مطلق فرموده است. خدای سبحان، بنده مطلق در همه عصرها را رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌داند. این خود، فضیلت غیر قابل انکار و بسیار والایی برای آن حضرت نسبت به دیگر پیامبران الهی است.

همچنین در سوره اسراء: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۳ خداوند پس از تعیین عبادتی ویژه برای آن حضرت، برخورداری از مقام محمود را به آن وجود گرانقدر بشارت می‌دهد. آری؛ مقامی که همگان بر آن رشک می‌برند، در نتیجه عبودیت خالص و ویژه آن حضرت حاصل می‌شود. و شاید علت این که خدا در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ...﴾ و

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیشین؛ ج ۲۲، ص ۳۹۶.

۲. ص، ۴۵.

۳. اسراء، ۷۹.



نفرموده: سبحان الذی أَسْرَى برسوله... این باشد که پیامبر اکرم ﷺ چون بنده خدا بوده و در عبودیت به بالاترین مقام‌ها رسیده، خدا در آن شب او را به معراج برده‌است. پس عبودیت، مقدمه رسالت پیامبر ﷺ است و مقدم بر آن نیز هست.

پیامبر مکرم اسلام ﷺ که از نهایت آگاهی و معرفت به پروردگار یکتا و نهایت خودشناسی و معرفت نفس برخوردارند، نوع عبادت و بندگی‌شان نیز منحصر به فرد است. درجات بالای معرفتی آن حضرت، حالتی قرین با ذکر و احساس و حضور دائم در پیشگاه حق به ایشان بخشیده بود. این حالت به صورت خشوع و خداترسی و خوف حقیقی از سخط الهی در عبادات آن حضرت متجلی می‌شد. خداوند، قیام در شب را بر پیامبر اکرم ﷺ واجب کرده‌بود؛ چنان که در سوره مزمل به حضرت می‌فرماید:

ای جامه به خویشتن فرو پیچیده! شب را به پا خیز، مگر اندکی؛ نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.^۱

همچنین در سوره اسراء همین فرمان به آن حضرت ابلاغ شده‌است:

و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو (به منزله) نافله‌ای باشد؛ امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.^۲

نزول این آیات که بر اساس آن‌ها بیداری در پاسی از شب بر پیامبر اکرم ﷺ واجب شد، موجب آن گشت که آن حضرت و جمعی از اصحاب خاص ایشان، گاه برای اطمینان یافتن از این که نصف یا کمی بیش از نصف شب را بیدار مانده‌اند، تمام شب را به عبادت بر می‌خاستند. پیامبر اکرم ﷺ در عمل به این فرمان آن قدر اهتمام داشتند که قدم‌های مبارکشان متوزم می‌شد،^۳ و برای تخفیف درد، گاه یک پا را از زمین بلند می‌کردند و پای دیگر را بر زمین می‌نهادند؛ و از همین روی، آیات نخستین سوره طه بر ایشان نازل شد تا تکلف و مشقت را در عبادت از آن حضرت بردارد.^۴

پیامبر اسلام ﷺ در عبادت از بالاترین درجه معرفت به حقیقت هستی برخوردار بودند و در عمل نیز همواره بیش از همه به دستورات دینی عمل می‌کردند؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام درباره زهد آن حضرت

۱. مزمل، ۴۱.

۲. اسراء، ۷۹.

۳. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق؛ ص ۶۳۷.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۹۵.



چنین می‌گوید:

پیامبر ﷺ از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگریست. دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته‌تر و شکمش از همه خالی‌تر بود؛ دنیا را به او نشان دادند، ولی او نپذیرفت، ... و چیزی را که خدا کوچک شمرده، کوچک و ناچیز می‌دانست. همانا پیامبر (که درود خدا بر او باد) بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، و چون بردگان ساده می‌نشست و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را با دست خود می‌دوخت ... پیامبر (زهد واقعی و انتخابی داشت، از این رو) بادل و جان از دنیا روی گرداند، و یادش را از جان خویش ریشه‌کن نمود و همواره دوست داشت که جاذبه‌های دنیا از دیدگانش پنهان ماند، و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند، و امید ماندن در دنیا نداشته باشد.^۱

۵. ساحت پایداری و اراده

اگرچه همهٔ رسولان الهی در راه انجام مأموریت الهی و ابلاغ رسالت خویش، رنجها بردند و خوندل‌ها خوردند و در برابر عناد و لجاجت مردمان جاهل و بت‌پرستان شکیبایی کردند، اما آنچه پیامبر اکرم ﷺ در رهگذر ابلاغ رسالت و در طول دوران بیست‌وسه سالهٔ نبوت خویش متحمل شدند، قابل مقایسه با سایر پیامبران نیست. شاهد این مطلب، سخن آن حضرت است که فرمودند:

ما أَوْذَى أَحَدٌ مَثْلَ مَا أَوْذَيْتَ فِي اللَّهِ؛^۲ هیچ پیامبری همان گونه که من اذیت شدم، اذیت نشد.

زمانی که رسول خدا ﷺ به پیامبری برانگیخته شدند، از دوران پیامبری حضرت عیسی بیش از پنج قرن گذشته بود و جزیرهٔ العرب در دریایی از جهل و فساد و تباهی غوطه‌ور بود. ارزش‌های انسانی از میان آنان رخت بر بسته و جنگ و قتل و غارت، شیوهٔ زندگی آنان شده بود.

بنابراین، جهالت و شرک و بت‌پرستی مردم و سران جاهلیت در هنگام بعثت آن حضرت از یک سو و جامعیت و خاتمیت دین اسلام و عظمت قرآن، موجب شده بود که فهم و پذیرش این معارف بلند برای آنان دشوار باشند و پیامبر اکرم ﷺ برای تبیین این صراط مستقیم و معارف دین در آن جامعهٔ جاهلی، دشواری‌ها و رنج‌های فراوانی تحمل نمایند. امیر المؤمنین علیه السلام به شکل زیبایی این وضعیت را ترسیم می‌کنند. آن حضرت می‌فرماید:

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبهٔ ۱۶۰، ص ۲۲۸.

۲. ابن سعد؛ الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی‌تا؛ ج ۱، ص ۳۷۸.



پیامبر ﷺ در راه رضایت حق، در کام هر دشواری و بلا فرو رفت و جام مشکلات و ناگواری‌ها را سر کشید.^۱

در کلامی دیگر، امام علی علیه السلام اراده نافذ و صلابت شکست‌ناپذیر پیامبر اکرم ﷺ برای مجاهدت و مبارزه در راه حق را این‌گونه بیان می‌کند:

پیامبر ﷺ بدون سستی و کوتاهی، رسالت پروردگارش را رسانید و در راه خدا، با دشمنان بدون عذر تراشی جنگید. آن حضرت پیشوای پرهیزکاران و روشنی‌بخش چشم هدایت شدگان است.^۲

علی علیه السلام در خطبه دیگری می‌فرماید:

پیامبر انسان‌ها را به اطاعت خدا دعوت کرد و در راه دین با دشمنان پیکار کرد و آنان را مغلوب ساخت، هرگز همدستی دشمنان که او را دروغگو می‌خواندند، او را از دعوت حق باز نداشت و تلاش آنان برای خاموش کردن نور رسالت به نتیجه‌ای نرسید.^۳

روزگاری خویشاوندان حضرت به دورویی و دشمنی پرداختند و بیگانگان در کینه‌توزی و دشمنی با او متحد شدند. اعراب برای نبرد با پیامبر ﷺ، لجام گسیخته و تازیانه بر مرکب‌ها نواختند و از هر سو گرد آمدند و از دورترین سرزمین و فراموش‌شده‌ترین نقطه‌ها، دشمنی خود را بر پیامبر فرود آوردند.

اما پیامبر اسلام ﷺ در برابر این همه دشمنی‌ها، در راه اعتلای کلمه الله، شکیبایی و پایداری را پیشه کردند و هرگز امواج مشکلات و گرفتاری‌ها، حضرت را از دعوت حق باز نداشت.

امیر المؤمنین علیه السلام که شجاعت و دلاوری او در غزوات و نبردهای مردافکن بر کسی پوشیده نیست، درباره شجاعت و صلابت روحی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

هرگاه آتش جنگ شعله می‌کشید، ما به رسول خدا ﷺ پناه می‌بردیم و او را سپر می‌گرفتیم که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر ﷺ به دشمن نزدیک‌تر نبود.^۴

خداوند، وصف پیامبر اسلام در تورات را ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۹۴، ص ۳۰۷.

۲. همان؛ خطبه ۱۱۶، ص ۱۷۳.

۳. همان؛ خطبه ۱۹۰، ص ۲۸۱.

۴. همان؛ حکمت ۲۶۶، ص ۵۲۰.



بَيْنَهُمْ...^۱ آورده است. چه این که می‌خواهد بگوید به الگوی خود بنگرید و در مقابل کسانی که با شما دشمنی میکنند و دشمن شما هستند، «اَشِدَّاء» باشید؛ یعنی سخت بوده و نرم نباشید که دشمن از هرجا خواست، بتواند در شما نفوذ کند؛ مستحکم باشید. این وصف پیامبر اسلام ﷺ در تورات است. برای اداره جامعه دینی و بقای آن، باید در مقابل دشمنان دین ایستاد، صلابت و استحکام و شدت عمل نسبت به کافران و مبارزه با آنها برای از بین بردن موانع هدایت، عین رحمت است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ای خدا! ... گرامی‌ترین درووها و افزون‌ترین برکات خود را بر محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ات اختصاص بده که خاتم پیامبران گذشته و گشاینده درهای بسته و آشکارکننده حق با برهان است. او دفع‌کننده لشگرهای باطل و درهم کوبنده شوکت گمراهان است. آن‌گونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشید و به فرمانت قیام کرد و ... حتی یک قدم عقب نشست و اراده او سست نشد و در پذیرش و گرفتن وحی نیرومند بود. حافظ و نگهبان عهد و پیمان تو بود و در اجرای فرمانت تلاش کرد، تا آنجا که نور حق را آشکار و راه را برای جاهلان روشن ساخت.^۲

بنابراین، می‌توان یکی از ابعاد وجودی نبی اکرم ﷺ را ساحت اراده و عزم آن حضرت دانست که در نهایت اقتدار و استحکام بود، تا جایی که اگر برخورداری از چنین اراده محکم و الهی نبود، هیچ‌گاه پیامبر ﷺ به چنین موفقیتی در تبلیغ اسلام و ترقی آن نمی‌رسید.

پیش‌تر گفتیم که در انسانهای وارسته، هرچه سطح علم بیشتر باشد، ایمان و اعتقاد نیز بیشتر و راسخ‌تر می‌شود، و از طرفی ایمان و اعتقاد راسخ، باعث اراده محکم و نفوذ ناپذیر خواهد شد؛ چرا که اراده نیرویی وابسته به عقل و اعتقادات است، و ایمان آن را افزایش می‌دهد. همچنین شجاعت و شهامت و عظمت روحی، زاینده اراده قوی و مثبت است. وانگهی ایمان و اعتقادات، خُلقیات را نیز در کنترل خود دارند.

۱. فتح، ۲۹.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۷۲، ص ۱۰۱.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان گردید، می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند همه پیامبران دارای جایگاه ویژه‌ای در نزد پروردگار و مخلوقات و از وجودی متعالی و تکامل یافته برخوردار بوده‌اند، اما این مسأله نمی‌تواند ویژگی‌ها و صفات برجسته خاتم پیامبران، محمد مصطفی (ﷺ) را بپوشاند و مانع از افضلیت ایشان باشد؛ زیرا اولاً ایشان در ادامه رسالت پیامبران پیشین مبعوث شدند و این خود نمایانگر این واقعیت است که باید آورنده دینی کامل‌تر و دارنده شخصیتی متعالی‌تر باشند و از سوی دیگر پیامبر اسلام (ﷺ)، مجمع فضایل تمام پیامبران و در بعضی صفات و فضایل منحصر به فرد و بی‌نظیر هستند؛ مانند: خاتمیّت، جامعیت و ... که همین دو صفت برای برتری محض او بر خلائق و پیامبران کافی است؛ از طرفی هم از لحاظ عقلی و هم بر اساس روایات، هر پیامبری که مبعوث شده، زمینه را برای پیامبر بعدی آماده نموده و این بدان معناست که همه آن بزرگواران به دنبال رسیدن به یک هدف مشترک و کامل بوده‌اند، نه بیان مسائلی تکراری و یا متناقض. از این‌رو، هر کدام به قدر توان و به تناسب امکانات موجود و نیاز زمان، در امر هدایت کوشیده‌اند. پس مبرهن است که پیامبر خاتم (ﷺ) باید برتر از دیگر پیامبران و پیام‌های او کامل‌تر از پیشینیان باشد. به‌طور کلی از بررسی وجوه برتری پیامبر مکرم اسلام (ﷺ) در قرآن و روایات، به نتایج زیر رسیدیم:

۱. پیامبر اسلام (ﷺ) به دلیل بهره‌مندی از سعه صدر بالا، ارتباط محکم، کامل و بدون واسطه با عالم ملکوت و وحی، و بهره‌مندی مستقیم از تعلیم و تربیت الهی، اعجاز قرآن و خاتمیّت، در میان دیگر مرسلین از برتری و برجستگی خاصی برخوردارند؛

۲. ابعاد وجودی پیامبر (ﷺ) با این که همانند ابعاد وجودی دیگر پیامبران است، اما به سبب موقعیت ویژه پیامبر که باید کامل‌کننده دستورات عملی و نظری پیامبران پیشین و تمام‌کننده و نیز جاودانه کردن آن‌ها باشد، از عمق و غنای بیشتری برخوردار است؛ از این‌رو این برجستگی‌ها او را از تمامی خلائق و به‌ویژه پیامبران قبل از خود ممتاز می‌کند؛

۳. پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) به علت تعالی ابعاد وجودی خویش، به عنوان الگوی برتر انسانی و قرآنی معرفی شده‌اند. داشتن بعضی از مقام‌های معنوی مانند: مقام محمود، مقام خاتمیّت، معراج روحی و جسمی و ... دال بر جایگاه برتر پیامبر اسلام در تمام ابعاد وجودی است. این فضیلت می‌تواند در غنای هرچه بیشتر مکتب ایشان تأثیرگذار بوده و در رسیدن انسان به مقام‌های معنوی بسیار راهگشا باشد و در تعاملی زیبا، ظرفیت برتر اسلام و پیامبر (ﷺ)، اثبات‌کننده ظرفیت برتر علمی، فرهنگی و اخلاقی پیروان این مکتب است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ توحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۳. ابن حنبل، احمد؛ مسند، بیروت: دار صادر، بی تا.
۴. ابن سعد؛ الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر، بی تا.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، تحقیق و تنظیم حسن واعظی، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۶ ش.
۶. خمینی، روح الله؛ شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهری، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش.
۷. _____؛ شرح چهل حدیث، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۸. رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)، تصحیح فیض الاسلام، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۹. _____؛ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. _____؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۱. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات، تهران: منشورات اعلمی، بی تا.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین؛ ترجمه المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، قم: انتشارات دارالکتاب، چاپ سوم، بی تا.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی، تهران: دارالکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت، بی تا.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم: دارالحديث، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی؛ سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۱ ش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. نحاس، احمد بن محمد؛ اعراب القرآن، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.